

# برای کتاب خوانان و کتاب جویان :

## کتاب شناسی فردوسی

خدمت حضرت آقای تیمسار سهبداق اولی رئیس محترم هیئت مدیره انجمن آثار ملی  
دام مجده - طهران

با احترام تمام بمرض عالی میرساند که نامه ۱۴۴۶ مورخ چهارم دی ۱۳۴۷ بانضمام  
یک جلد از کتاب «کتابشناسی فردوسی» بقلم آقای ایرج افشار و از سلسله انتشارات انجمن  
آثار ملی (شماره ۵۹) عروصول بخشید و مایه سپاسگزاری ارادت مند دیرینه گردید .  
دانشمند عزیز و شریف آقای ایرج افشار که بحق باید او را «ابوالکتاب» نام داد  
سرچشمه فیض مستمر است و در نوع خود و در کار تألیف و تصنیف و حمایت و ترویج و معرفی  
کتاب میتوان گفت امروز در مملکت ما ثانی و نظیری ندارد . خداوند باو و امثال او (بتقدیر  
آنکه پیدا شود) توفیق و سلامتی و قدرت عطا فرماید که مایه سربلندی در زمینه کتاب یعنی  
آنچه مایه اساسی پیشرفت و تمدن و رفاه است گردیده است .

همین دعا را درباره انجمن آثار ملی نیز که در طبع و نشر آن همه کتابهای خوب بذل  
همت و وقت فرموده است میکنم و آرزو مندم که شماره ۵۹ که شماره کتابهای سودمند و لازمی  
است که تاکنون در پرتو مساعی آن سازمان بسیار مؤثر و فعال طبع رسیده و انتشار یافته است  
به ۵۰۰ و بلکه مبالغی بیشتر برسد .

«کتابشناسی فردوسی» فهرست آثار و تحقیقاتی است که تاکنون یعنی تا مرداد ۱۳۴۷  
(تاریخ چاپ کتاب) درباره فردوسی و «شاهنامه» بوجود آمده بوده است و بیادگار تجدید  
بنای آرامگاه فردوسی بطبع رسیده است . در مقدمه بسیار مختصر و زباندار و سودمندی (مثل  
اغلب نوشته های ایرج افشار) که بقلم مؤلف در نه صفحه آمده است چنین میخوانیم :

«بمناسبت تجدید بنای آرامگاه فردوسی ، آن دهقانزاده خراسان ، سراینده حماسه  
ملی ایرانیان و شاعر بزرگ جهان ، انجمن گرانقدر «آثار ملی» تألیف و طبع چند کتاب را  
بمنظور بزرگداشت و تحقیق و تجسس در احوال و آثار شاعر و جهت همت قرار داد و من جمله  
از نویسندگان این سطور خواست که مجموعه ای فهرست و از کتب و مقالات و آثاری  
که درباره فردوسی طوسی و کاخ بلند «شاهنامه» بقلمها و زبانهای متفاوت  
و در زمانهای مختلف نوشته شده است تنظیم و چاپ کنم تا محققان و متنبهان  
بسهولت بر مراجع و منابع قدیم و جدید آگاهی حاصل کنند .»

آقای افشارچنانکه شاید و باید از عهده این کار مهم برآمده است و علاوه بر فهرستی که خود او آنرا «تقریباً کامل» توصیف فرموده و تا آنجائی که بر اقام این سطور معلوم گردیده بکلی کامل است فهرستی هم از نسخ خطی و چاپهای شاهنامه و انتخابهایی که از شاهنامه (افشار شاهنامه) را «دریای بیکران» خوانده است) شده است فراهم ساخته که آن نیز در حکم گنجینه پرارزشی است بخصوص که همه با بقول خود افشار «بر اساس روش کتابشناسی امروزه منظم» گردیده است.

آنچه در ضمن مقدمه نامبرده یعنی مقدمه‌ای که بقلم آقای افشار در آغاز کتاب آمده است - اسباب تعجب نگارنده گردید جمله‌های زیر است (در صفحه ۹):

«فردوسی در کتب قدیم چون تذکره‌ها و مراجع ادبی شاعری است تقریباً همسنگ هر شاعر دیگر. از آن مراجع نه اطلاعات تاریخی مشخص و درست نسبت بترجمه احوال شاعر بدست می‌آید و نه آنکه سخن و هنرش در تراوی نقدبراستی سنجیده شده است و طبعاً تردید نباید داشت که بازنمایی و اهمیت فردوسی تا حد بسیار زیادی مرهون اهتمام خسارجیان دانشمندی است که از سال ۱۸۲۱ بطبع «شاهنامه» و تحقیق در آن اثر پرداختند . . . و خدمات باارزشی انجام دادند. تا بدانجا که طبق فهرستی که من تهیه دیده‌ام و البته کامل هم نیست در حدود چهارصد کتاب و مقاله در خصوص این شاعر نشر شده است.»

ما خیال کرده بودیم که در زمینه ادب و آنچه با قلم و کاغذ و ترجمه سروکار دارد بیشتر در امر تاریخ‌نویسی مرهون بیگانگان هستیم<sup>۲</sup> و اکنون می‌بینم که حتی در زمینه نقد و شناسایی بزرگترین شاعرمان نیز که در دایره قلم و ادب چرخ می‌خورد باز کار حسابی را مدیون اجنبی‌ها می‌باشیم که اگر یک عیب و یک نقص در کارشان باشد با کمک ذره بین پیدا میکنیم و بعد زبان برخشان میکشیم و هزاران حسن آنرا چه بسا ندیده می‌انکاریم و از انصاف و قدرشناسی که شرط کار است گاهی بدور می‌آقیم و عیب می‌را گفته هنرش را مسکوت می‌گذاریم.

کتابی که موضوع این مقاله است (در ۲۸۶ صفحه بزرگ) دارای چهار بخش و هر بخشی دارای چند قسمت است و از آن گذشته تصاویر مفیدی (از آن جمله عکس دو مجسمه فردوسی کار مجسمه ساز با هنر ایرانی استاد ابوالحسن صدیقی) و فهرست‌های با ارزشی هم اضافه شده است.

اگر بگوئیم که تنها همان بخش اول دارای ۱۹۶ مقاله بزبانهای شرقی و ۱۹۷ کتاب و مقاله در زبانهای غربی و ۱۸ کتاب مفرد و مجموعه مستقل بزبان فارسی (که بعضی از آنها ترجمه از زبانهای بیگانه است) و ۳۲ شرح حال در مآخذ قدیمی و باز آثار مهم دیگری (از قبیل فرهنگ و لغت) میباشد اهمیت کتاب بهتر معلوم میگردد.

در بخش سوم می‌بینیم که از «شاهنامه» ۲۲۹ نسخه خطی تاریخدار و ۲۳۲ نسخه خطی بی‌تاریخ در کتابخانه‌های دنیا موجود است. شاید خواننده مایل باشد بداند که از این نسخه‌ها

(۱) یعنی یک قرن و نیم پیش از این . (ج. ز.) (۲) از لوازم زندگی صحبت بمیان نمی‌آورم (طالبان پداستان «دوآتش» بقلم این حقیر مراجعه فرمایند) و همه میدانیم ورد زبانها شده بود که «از کاغذ قرآن تا کفن» همه چیز را از اجانب و کفار داریم.

چند عدد از آنها در خود ایران موجود است ، من بدقت شمردم و معلوم شد از ۲۲۹ نسخه خطی تاریخدار ۱۴ نسخه و از ۲۳۲ نسخه خطی بی تاریخ ۱۶ نسخه در خود ایران موجود است و عجب آنکه از نسخه های خطی بی تاریخ تنها در شهر استانبول ۲۶ نسخه در کتاب شمرده شده است .

در مزایای کتاب هرچه بگوئیم کم گفته ایم و از خودی و بیگانه هر کس با فردوسی و «شاهنامه» سروکار داشته باشد قدر و مقام این کتاب مستطاب را بدرستی خواهد دانست و ما بهمین مختصری که رفت قناعت میورزیم .

\*\*\*

برای مزید فایده شاید بی مناسبت نباشد که دو مطلب را بعرض خوانندگان برسانم : اول آنکه بطوری که درباره کشفیات و حفاریات تاریخی در سرزمین آسیای مرکزی که قسمتی از آنها از خاک ایران بزرگ ، میخوانند نوشته اند و خوانده ایم معلوم میشود که رستم پهلوانی است بسیار قدیمی تر از آنچه ما پنداشته بودیم و نام او در داستانها و حماسه های اقوام آریائی باستانی معروف بوده است .

در کتابی که اخیراً ترجمه فرانسوی آن (از اصل انگلیسی) از طرف ناشر معروف نازل در ژنو و پاریس و مونیخ بقلم يك باستانشناس معروف روسی انتشار یافته است در موقعی که از شهر قدیمی پنج گند که در تاجیکستان در جنوب شرقی سمرقند کشف شده است ، واز تصاویر رنگی دیواری آن سخن میراند چنین میخوانیم (صفحه ۱۹۱) :

«در بین موضوعهایی که نقاشهای هنرمند شهر پنج گند اغلب نقاشی کرده اند مجالسی است از افسانه های حماسه ای . این خود برای آنها موضوعی بود آسان و معروف و سهولت میتوانستند صحنه های کاملی از آن را در ضمن ترسیم واقعه اصلی و خواننده های پهلوان داستانی آن حماسه بوجود آورند . . . . طرح وقایعی که نقاشی شده و وضع و احوال قهرمان عمده بما اجازه میدهد که گمان کنیم که این پهلوان عمده همانا رستم است یعنی قهرمان مشهور و نامدار حماسه های ساس های آسیای مرکزی ۲ همان رستمی که متجاوز از دو قرن پس از آن ۳ فردوسی طوسی در «شاهنامه» آنها پهلوان کتاب خود قرارداد .»

مطلب دوم آنکه چنانکه میدانید و در طبع آدمیزاد نهفته است هنگامی که کتاب

(۱) در همین اواخر کتابی بزبان فرانسه (ترجمه از انگلیسی) بقلم باستانشناس روسی الکساندر بله نیتسکی در تحت عنوان «باستانشناسی آسیای مرکزی» انتشار یافته است .

Alexandre Belenitsky:

«Archeooloojia Mundi, Asie Centrale»; Nagel; Paris, Genève, Munich, 1968.

(۲) سیستانی خودمان را بخاطر می آورد و در «شاهنامه» هم در جایی که از گروهی که سگسار خوانندشان ، صحبت بمیان آمده است میتوان همین ساس ها و اسکیت ها را که از اقوام قدیمی هند و اروپائی و آریائی بودند در خاطر آورد و همه را یکی و یک قوم داشت .

(۳) پس از نقاشیهای مکشوف در شهر پنج گند (ج . ز .)

«کتابشناسی فردوسی» بدستم رسید و همینکه فهمیدم چه نوع کتابی است اولین کاری که کردم در فهرست اعلام درصدد پیدا کردن نام خودم برآمدم و خوشحال شدم که اسمم در کتاب آمده است و مقاله بیمقداری هم با عنوان «نه اندر نه آمد سه اندر چهار» بقلم من نیز در میان آنهمه مقاله های مهم و گرانبها از قلم نیفتاده است.

چون یقین دارم که آن مقاله از خاطر بسیاری از هموطنان رفته و محوشده است و روبهمرفته خالی از پاره‌ای نکات دانستنی نیست جسارت ورزیده در نهایت اختصار موضوع آن را که در کتاب «فردوسی نامه مهر» که مجموعه ایست از مقالات گوناگون درباره فردوسی و شاهنامه و از طرف مجله «مهر» (سال دوم، شماره ۶۰۵) در مهر و آبان ۱۳۱۳ در هزارمین سالگرد فردوسی بچاپ رسیده است در اینجا نقل مینمایم (صفحات ۴۲۵-۴۳۴) :

«مشهور است وقتی فردوسی از سلطان محمود غزنوی آزرده و مأیوس گردید اشعاری در هجو او ساخت که يك بيت آن ازین قرار است :

« کف دست محمود و الا تبار »

« نه اندر نه آمد، سه اندر چهار »

در بین مفسرین و ارباب تحقیق اتفاق حاصل است که مقصود ازین بیت بیان بخل و امساک سلطان محمود بوده است ولی چون عموماً با آنکه میدانند تفسیر این بیت مربوط با انگشتهای دست است از کیفیت این تفسیر اطلاع جامع و صحیحی در دست نیست و معلوم نیست که ارقام نه و نه و سه و چهار با بخل و امساک چه مناسبتی دارد .

« پس باید دانست که این معنی مربوط به علمی است که به «حساب العقود» یعنی حساب کردن بکمک انگشتان دست و پا و یا بندها و مفاصل انگشتهای دست معروف است . این علم از قدیم الایام در اغلب ممالک شرق و غرب بین مردم و مخصوصاً اشخاص بافضل و اطلاع و اهل معامله متداول و معمول بوده است و هنوز هم بعضی از انواع آن در نقاط مختلفه از کره ارض کم و بیش رواجی دارد چنانکه مثلاً در جزایر بحرین امروز هم در موقع معاملات مروارید اغلب طرفین روبروی هم نشسته دست راست یکدیگر را میگیرند و با دست چپ دامن قبا و یا دستمالی روی آن میاندازند و معامله و چانه زدن را بوسیله لمس و فشار انگشتهای یکدیگر معمول میدارند بطوریکه جریان معامله بکلی بر حضا محجول میماند .

تقریباً در تمام ممالک اسلامی نوعی ازین ترتیب انگشت شماری که عموماً با سیابه دست راست شروع میشود معمول است و نکته قابل توجه این است که این نوع انگشت شماری با سیابه که در مغولستان و ژاپن هم رایج است در بین اقوام هند و اروپائی مجهول است باین معنی که این اقوام یعنی هندوها و اروپائیا در امر انگشت شماری برخلاف ممالک اسلامی و مغولستان و ژاپن همیشه با انگشت شست شروع میکنند .

قدیمترین تفصیل کلی که در باره طریقه سوم انگشت شماری ( یعنی بوسیله تا کردن و یا نیمه تا کردن انگشتان دست راست و یا دست چپ و الصاق سر انگشت سیابه با انگشت ابهام ) در دست میباشد در کتابی است بزبان لاتینی که مؤلف آن در نیمه دوم قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم میلادی یعنی در حدود يك هزار و سیصد سالی پیش ازین میزیسته است . اما در خصوص جزئیات آن اسناد متعددی موجود است که قدیمترین آنها اروپائی و متأخرترین آنها بزبان

فارسی است . سند فارسی عبارت است از « فرهنگ جهانگیری » که مندرجات آن با آنکه در نهمصد سال پس از آن کتاب لاتینی نوشته شده است با تفصیلاتی که در آن کتاب لاتین آمده است تقریباً مطابقت کامل دارد .

بعضی از احادیث نبوی اسلامی صریحاً دلالت دارد بر اینکه طریقه حساب انگشت شماری در زمان حضرت رسول ص در میان قوم عرب معروف بوده است چنانکه در حدیث آمده است که دست حضرت در موقع تشهد بشکل ۵۵ درمیآمده است . در کتاب « خزینة الادب » نیز حدیث دیگری منقول است حاکی بر اینکه حضرت رسول ص در موقع دیگری شکل ۹۰ (نود) را با دست خود ساخته بوده است .

از جمله آثاری که حاکی از شیوع و حساب العقود در قدیم الایام است مهره هائی است از عاج یا از استخوان بشکل مسکوکات معمولی که از عهد روم قدیم باقی مانده است و بزبان لاتین «تسره» یا «تسله» (با اول کسره دار) خوانده میشده و اغلب بجای پول بصرف میرسیده است . حالا برسیم به بیت فردوسی در «شاهنامه» یعنی:

« کف دست محمود و الاتبار نه اندر نه آمد، سه اندر چهار »

نه ضرب در نه می شود ۸۱ ، سه بار چهارم مساوی است با دوازده و مجموع ۱۲ و ۸۱ معادل است با ۹۳ ، و عدد ۹۳ در حساب انگشت شماری پنجه را نشان میدهد در حالی بکلی درهم بسته باشد .

خلیل بن احمد مشهور نیز در قرن پنجم از هجرت در یکی از قطعات خود (بزبان عربی و باعین عبارت که در خود مقاله آمده است) در مقام بیان بخل کف دست طرف را ۳۹۰۰ و ۹۱ خوانده است که همان پنجه بسته درهم را میرساند .

\*\*\*

در پایان باز يك بار دیگر برای « انجمن آثار ملی » و برای مؤلف محترم و عزیز کتاب « کتابشناسی فردوسی » توفیقات کامل آسمانی و زمینی را خواستارم .  
با تقدیم احترامات فایقه .  
سید محمد علی جمالزاده

(۱) « مفتاح الساده » ، جلد اول ، صفحه ۳۳۰

### تصحیح لازم

صفحه ۵۴۸	سطر ۱۱	آزاد پرستان	غلط	آزاد پرستان درست است
» ۵۴۹	اول سطر ۳۰	و دراواخر	»	» دراواخر
» ۵۵۴	» ۹	و آنان	»	» آنان
» ۵۵۴	» ۱۲	افکار	»	» انکار